

دیدگاه برخی از فقهاء نسبت به اصل خمس ارباح مکاسب

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال^۱: جناب شیخ حیدر حب الله، با سلام و ادب، سوالی از شما دارم پیرامون یکی از مقالات و سخنرانی هایتان با عنوان (درآمدی به فضای فرهنگی ایران) آن جا که از جریان های فکری در ایران سخن گفتید تا این که به جریان پیشرفت مرحله ای مفاهیم فقهی رسیدید و گفتید: «از نمونه هایی که سعی در پیشبرد مفاهیم فقهی دارد تجربه استادما سید محمود هاشمی است که دیدگاه ها و تحلیل های فقهی شجاعانه بسیاری دارد. وی کاملاً با این پیشبرد موافق است اما تدرج در طرح افکار جدید و بیان آن ها را ضروری می داند از جمله آراء او به عنوان مثال آن است که به خلاف دیدگاه رایج بین عموم فقهای شیعه، آیه ی خمس بر خمس ارباح مکاسب دلالت ندارد» و در هنگام سخن از جریان نوآوری فقهی از شیخ صادق طهرانی نام بردید و فرمودید: «از جمله شخصیت های بارز در این جریان شیخ صادق طهرانی، صاحب کتاب تبصرة الفقهاء است که مخاطب آن فقهاست و در آن به حل اشکالاتی که فقها دچار آن شده اند پرداخته است. ایشان گرایش شدیدی به استنباط از قرآن دارند و با جریان اخباری به شدت مخالفت می کنند. از جمله آراء ایشان این است که ارباح مکاسب خمس ندارد و با آنچه فقها آن را محرمات احرام می نامند مخالفت ورزیده و به جای آن با استناد به آیه شریفه «فلا رفث و لا

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع ۱: سوال ۱۷۵.

فسوق و لا جدال فی الحج» این محرمات را محرمات حج دانسته و گفته خروج از احرام باعث مباح شدن محرمات حاج نمی شود، ایشان همچنین قائل به وجوب زکات تقدین (طلا و نقره) در زمان ما و عدم انحصار آن در نه مورد معروف هستند. «استاد گرامی در رابطه با دو نظر مذکور پیرامون خمس نداشتن خمس ارباح مکاسب آیا می توان به مرحوم آیت الله شاهرودی و یا صادقی طهرانی عمل نمود؟ و اگر می شود چه باید بکنیم؟ و جالب است که بدانید بنده سابق بر این با مرحوم صادقی تماس داشتم و ایشان گفتند: «من هم قائل به خمس هستم هم زکات» و فرمودند میزان آن برای من ۲۶ درصد است. با تقدیر و تشکر از شما لطف نموده سؤالم را پاسخ فرموده ضمن اینکه بسیاری از سایتها و تالارهای گفتگوی شیعه و غیر شیعه مقالات شما را منتشر می نمایند.

پاسخ: با تشکر از پیام حضرتعالی بنده تلاش هایتان را ارج می نهم اما درباره نظر استاد ما آیت الله هاشمی و مرحوم صادقی باید گفت که طبیعتاً فتوای آنها برای غیر از مقلدینشان حجت نیست و وقتی در بحث علمی نظر یک فقیه را نقل می کنیم این به معنای فتوای او نیست و حتی اگر به آن فتوی دهد جز برای مقلدین ایشان به لحاظ تعبدی و عملی فایده ای نخواهد داشت و هر کس باید در رابطه با اموالش به تکلیف شرعی خود عمل نماید اگر فرد مجتهد باشد به نظرش عمل می نماید و الا اگر اهل احتیاط نیست به نظر مرجع تقلیدش عمل می نماید. اما آنچه را از مرحوم آقای شاهرودی نقل نمودم این نبود که ایشان قائل به خمس نیستند بلکه اگر در مقاله مزبور که در اولین شماره مجله «نصوص معاصرة» منتشر شده دقت نمایید می بینید که موضوع صحبت من درباره عدم دلالت آیه خمس بر مطلب است و این نظر در محافل علمی شیعه، سخنی بسیار جسورانه به شمار می رود و ایشان قائل به خمس می باشند امام نه با دلالت آیه بلکه به دلالت روایات و غیره.

اما آقای طهرانی که می توانید به کتاب شان «تبصرة الفقها» هم مراجعه نمایید هر آنچه در این باره هست را در کتابم (نظریه السنة في الفكر الإمامي الشيعي) عرض نمودم و برخی از آرای ایشان را به طور مستند برگرفته از کتابهای ایشان، منعکس نمودم اما اگر در تماس تلفنی چیز دیگری فرمودند پس یا نظرشان تغییر نموده و یا اینکه نظرشان را به درستی در کتابشان نقل نموده اند و برای اطلاع از صحت این مطلب می توانید به کتاب های ایشان مراجعه فرمایید.

اما اینکه این مقالات در فضای اینترنت پخش می شود ایرادی ندارد زیرا هر کس تکلیف شرعی خودش را می داند بلکه ما باید نظرات تمامی فقها را بیان نماییم و این گونه نباشد که در حق

فقیه‌ی به جرم مخالفت با مشهور اجحاف نماییم

و اگر کسی در موضوع انتشار این مطالب سوء استفاده نموده این مشکل خود اوست. حتی قرآن کریم نیز در این رابطه از سوی طمع کاران بی نصیب نمانده، قرآن این افراد را که فتنه‌انگیز می‌خواندند می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۱ (آل عمران: ۷)، بنده معتقدم که روشنگری و آگاهی مردم از تنوع مکاتب فقهی مان کاری شایسته و مایه افتخار اسلام و مذهب اهل بیت است و بسته نگه داشتن مردم صحیح نمی باشد. بنا بر تصریح آیات و روایات اصل در دین انتشار و توضیح علمی مسائل است نه پنهان کاری و خداوند بنی اسرائیل را بابت همین پنهان کاری و کتمان در دین مذمت نموده است و به ایشان توضیح می دهد که از نظر عملی چه کار باید انجام دهند.

برایتان همه خوبی را آرزومندم و از خداوند متعال برای همه طلب علم و هدایت می نمایم و بابت این نقد زیبا از صمیم قلب متشکرم و دعاگویتان هستم، در پناه حق.

۱ ترجمه: «اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد. بعضی از آیه‌ها محکماتند، این آیه‌ها امّ الکتاب اند و بعضی آیه‌ها متشابهاتند. اما آنان که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه‌جویی و میل به تأویل، از متشابهات پیروی می‌کنند، درحالی‌که تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند. می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان پند نمی‌گیرند.» (آل عمران ۷)